

میلیون ها کارگر به نان شب محتاج شده اند

محسن حکیمی در گفتگو با روز: - پنجشنبه 5 بهمن 1385 [2007.01.25]

سهیل آصفی

Soheil.asefi@gmail.com

"فرمان خصوصی سازی" که از سوی آیت الله علی خامنه ای در تابستان گذشته مطرح شد، بار دیگر با اظهارات اخیر اکبر هاشمی رفسنجانی مبنی بر ضرورت پیگیری این "انقلاب اقتصادی" در کانون توجه محافل سیاسی و اقتصادی کشور قرار گرفته است.

محسن حکیمی، فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران که از متهمین پرونده دادگاه مراسم اول ماه مه شهر سقز است و هم اکنون در انتظار قطعی شدن حکم دادگاه خود به سر می برد در گفتگو با "روز" به پیامدهای این تصمیم سیاست گزاران جمهوری اسلامی در ارتباط با وضعیت کارگران ایران پرداخته است. این فعال کارگری معتقد است آنچه پیرو سیاست های اخیر در کشور بوقوع پیوسته، در جهت "نوسازی صنایع" نبوده بلکه آنچه که در عمل بوقوع پیوسته "خانه خرابی اکثریت عظیمی از طبقه کارگر ایران" بوده است.

آقای حکیمی، سخنان اخیر اکبر هاشمی رفسنجانی مبنی بر لزوم سرعت بخشیدن به اجرای "حکم حکومتی" رهبر جمهوری اسلامی در مورد ابلاغ سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی و پیگیری جدی چنین حکمی در شرایط کنونی را چگونه تفسیر می کنید؟

ببینید، بدنبال سلطه و حاکمیت نئولیبرالیسم در سطح جهان، میهن ما نیز از سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در امان نمانده است. این مراکز برای خدمات و وامهایی که در اختیار ایران قرار می دادند نیاز به مقررات خاصی داشتند. از جمله این مقررات، پیگیری خصوصی سازی بود؛ یعنی اینکه دولت کوچکتر از آن چیزی که هست بشود تا عرصه برای سرمایه گذاری های خارجی بازتر شود. یعنی

مضمون این خصوصی سازی به تبعیت از سیاست های امپریالیستی جهانی، فراهم کردن زمینه های لازم بود.

در همین زمینه "قانون نوسازی صنایع" هم از تصویب نمایندگان مجلس اسلامی گذشت...

بله، با این کار وجه قانونی هم به این تصمیم بخشیدند.

این تصمیم چه تاثیری بر وضعیت کارگران ایران داشت؟

آنچه که در عمل بوقوع پیوست خانه خرابی اکثریت عظیمی از کارگران ایران بود. این کارخانه ها در عمل، به اعوان و انصار جمهوری اسلامی واگذار شد و در واقع نه تنها تولید رشد نکرد بلکه در بسیاری از زمینه ها هم فلج شد. دهها کارخانه را می توان نام برد که در جریان این روند تعطیل و کارگران آن بازخرید شدند. در بهترین حالت هم آنها را با میزان ناچیزی پول بازخرید کردند.

برخی از طرفداران این روند به "نوسازی صنایع" و.. اشاره می کنند....

عملاً این اتفاق نیفتاد و همان حد از اشتغال هم که وجود داشت از میان رفت. هم اکنون میلیونها کارگر بی کار و اخراجی، سند پیامدهای بحث تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی جمهوری اسلامی است. من گمان می کنم حکم حکومتی آقای خامنه ای مبنی بر گسترش خصوصی سازی و ابلاغ سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی جز توسعه این فقر و فلاکت و گسترش بی خانمانی و پرتاب شدن کارگران بیشتری به عرصه خیابان هیچ حاصل دیگری نخواهد داشت. این تجربه، در چند سال اخیر خود را نشان داده است. راه بازگشتی هم وجود ندارد. پلهای پشت سر خراب شده اند. نظام سرمایه در ایران راهی جز این نداشته اما هم اکنون در این غرقاب گیر کرده است.

تشکل و سازماندهی

همزمان با ارائه "بسته پیشنهادی" 5 کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل و آلمان درباره "مساله اتمی جمهوری اسلامی"، ما شاهد ابلاغ سیاست های کلی اصل 44 و آنچه به "آزادسازی اقتصاد ایران" مشهور شده است هستیم. این همزمانی ها را چطور ارزیابی می کنید؟

ببینید جمهوری اسلامی راه دیگری ندارد. ناچار است در جهت سیاست هایی که سرمایه جهانی به او دیکته می کند گام بر دارد. از طرف دیگر مخالفت هایی هم در میان خود اینها دیده می شود که این مساله تناقضی را ایجاد کرده است. از یک طرف، جناحی موافق پیگیری سیاست های سرمایه جهانی است که حالا می توانیم اسم آنها را پراگماتیست ها بگذاریم، و از سوی دیگر بخشی از جناح حاکم سیاست های دیگری را پیگیری می کند. همه اینها علائم تناقضات موجود در ساخت سیاسی حاکم است. هم اکنون در برنامه چهارم توسعه مو به مو سیاستهای نئولیبرالی و خصوصی سازی تصویب شده است، اما از طرف دیگر ما می بینیم در همین مجلس، قوانینی تصویب می شود که آن مواد را زیر سؤال می برد. من می خواهم بگویم در ذات جمهوری اسلامی تناقضی هست که اصلا قابل حل شدن نیست. این یک واقعیت است.

با تحولات صورت گرفته در دولت احمدی نژاد، طرح اصلاح قانون کار و... برخی کارشناسان سیاسی دولت نهم را راست ترین دولت تاریخ جمهوری اسلامی خوانده اند. از نظر شما وضعیت جنبش کارگری ایران با توجه به تحولاتی که در آرایش جناح های سیاسی حاکمیت به وجود آمده چگونه است؟

واقعیت این است که عرصه مبارزه کارگران با نظام سرمایه داری حاکم به بیرون از کارخانه ها منتقل شده است. هم اکنون، قلب جنبش کارگری، در بدنه کارگران بیکار، اخراجی و قراردادی می تپد. این شرایط، موجب آن شده است که به هر حال الگوهای قدیمی که در مورد تشکل و مبارزه طبقاتی وجود داشته اند، به آن صورت وجود نداشته باشد. در حال حاضر میلیون ها کارگر به وضعیتی دچار شده اند که حتی برای نان شب خود نیز محتاج هستند. این وضعیت، فراتر از وضعیت ناموزون است. البته در کشورهای سرمایه داری پیشرفته هم چنین ناموزونی وجود دارد، اما آنچه امروز در ایران می گذرد اصلا قابل قیاس با هیچ کجا نیست. همین مساله موجب شده میلیون ها کارگر، هم اکنون آمادگی بالقوه ای برای تشکل به صورت فراکارخانه ای داشته باشند و یک جنبش سراسری کارگران، بیکار، اخراجی و قراردادی بوجود بیاید.

به عنوان یکی از فعالین کارگری، حرکت ممکن در چهارچوب وضعیت فعلی را برای کارگران ایران در چه

زمینه ای می بینید؟

تشکل و سازماندهی مبارزه طبقاتی